

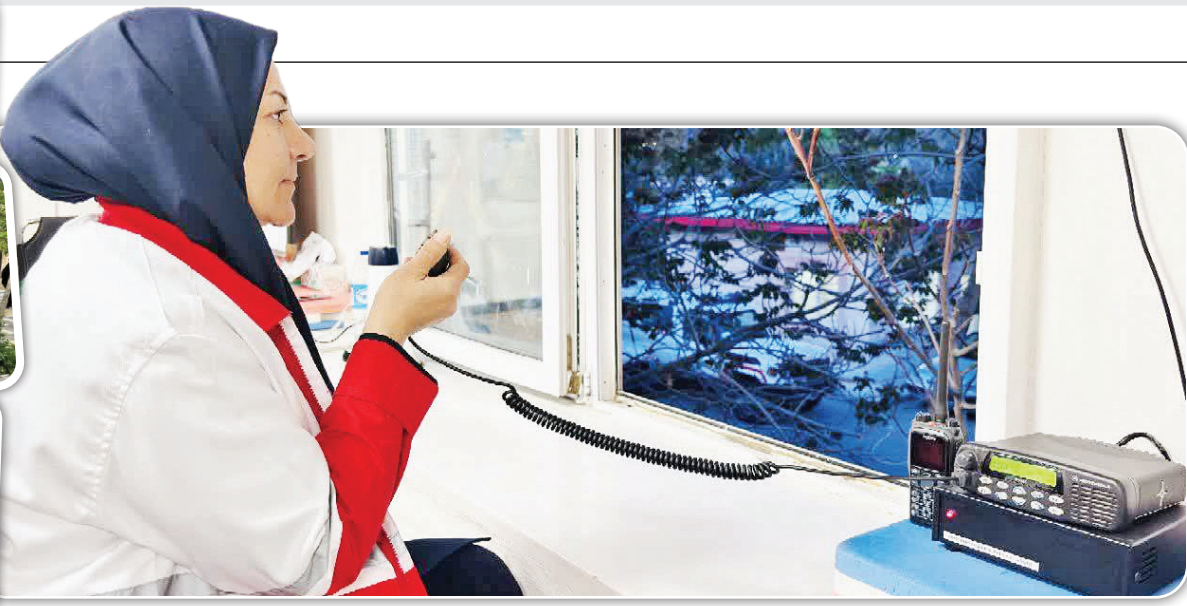
حضور ۶هزار بانوی داوطلب در جنگ

نقش تعیین‌کننده زنان در مأموریت‌های امدادی و حمایتی جمعیت هلال‌احمر این روزها بر کسی پوشیده نیست. به گفته پیر حسین کولیوند، رئیس جمعیت

نکته

هلال‌احمر ایران، بیش از ۶۰۰۰ نفر از بانوان داوطلب جمعیت هلال‌احمر در شرایط حساس کنونی در بخش‌های مختلف عملیاتی، پشتیبانی، درمانی و حمایتی در حال ارائه خدمت هستند و هزاران نفر دیگر نیز در حالت آماده‌باش قرار دارند تا در صورت نیاز، در کوتاه‌ترین زمان ممکن به میدان خدمت‌رسانی به هموطنان

عزیز وارد شوند. به گفته وی، بانوان داوطلب هلال‌احمر با روحیه‌ای کنشگر از مسئولیت پذیری، در مراکز دیسپچ و هدایت عملیات امداد و نجات حضوری فعال دارند و در مدیریت تماس‌ها، هماهنگی مأموریت‌های امدادی و پشتیبانی از عملیات نجات، نقش مؤثری ایفا می‌کنند.



خیمه‌ای که نماد زندگی و هنر است

محمد سرایی | روزنامه‌نگار | خیمه سفید میدان هفت تیر میزبان هنرمندان است. این هنرمندان آثاری را می‌سازند که هر روز و شب در تجمعات مردمی به چشم می‌خورد. بخشی از پلاکاردها، پارچه‌نوشته‌ها و دیگر جلوه‌های پیروزی مردم ایران در مقابل حمله دشمن آمریکایی - صهیونیستی، در «خیمه هنر» ساخته می‌شود. همزمان هر شب هیئت عزاداری با سخنرانی و مداحی در همین جا برپاست. میدان هفت تیر در میانه مسیرهای پررفت‌وآمد شهری قرار دارد. از ابتدای تعطیلات عید خیمه‌ای سر به آسمان بلند کرد که سال‌های قبل در ماه محرم برپا می‌شد. خیمه سفید رنگی که روی آن نام‌نوشته شده است. حمیدرضا عسگری، معاون سازمان زیباسازی شهرداری تهران که این پروژه را اجرا کرده است به همشهری می‌گوید: «حدود ۱۳۰ سال است که سازمان زیباسازی در ماه محرم این خیمه را برپا می‌کند اما امسال شهرداری تصمیم گرفت که فعالیت خود را زودتر شروع کند. برای همین هم از ابتدای فروردین ماه کار شروع شد و حالا مدتی است که هر روز گروه‌های هنری به اینجا می‌آیند.» او در پاسخ به سؤال همشهری درباره اینکه فعالیت‌های هنری مرتبط با حمله آمریکا و اسرائیل از چه زمانی شروع شد، پاسخ می‌دهد: «عملاً از نخستین روز جنگ، کار پارچه‌نویسی در خانه اتحادیه شروع

فرماندهی زنانه امداد

امدادرسانی به مناطق جنگ‌زده در پهنه غرب تهران، توسط یک خانم فرماندهی می‌شود

خسته از کار تیم

لحظه‌ای، تماس با بی‌سیم و تلفن شخصی اش قطع نمی‌شود. گفت و گو با او در این شرایط جنگی سخت است اما با همان روحیه مادرانه خود همه چیز را تحت کنترل دارد و می‌گوید: «از کار شبانه‌روزی خسته نیستم. از صحنه‌های تلخی که مجبوریم در جریان امداد رسانی به مجروحان بمباران‌های مناطق مسکونی با آنها روبه‌رو شویم، خسته‌ام. وقتی مردم بی‌گناه و زنان و کودکان را از زیر خورواها آوار بیرون می‌کنیم، همان حالی دارم که روزی پیکر همسر و دخترم را در مقابل دیدم.»

فاطمه عسگر نیا | روزنامه‌نگار | جنگ و واقعه‌ای که وقتی در ایران رخ می‌دهد همه لباس رزم به تن می‌کنند و برای دفاع از کیان کشورشان در جبهه‌های مختلف نبرد حاضر می‌شوند. پیر و جوان، مرد و زن، برایشان فرقی ندارد موافق سیاست‌های نظام باشند یا مخالف آن؛ تنها اصلی که برای ایرانی‌ها اهمیت دارد، دفاع همه‌جانبه از مرزهای کشورشان است که تا به امروز برای آنکه دست دشمن به آنها نرسد خون‌های زیادی داده‌اند. مصداق این سخن این روزها در پهنه غرب تهران با فرماندهی امداد رسانی یک زن نمایان است. خانم تاج تقی‌نژاد، بانویی که بعد از کارنامه درخشان فعالیت‌های امدادی و مدیریتی گروه‌های امدادی در منطقه ۲۲ این بار و در جنگ رمضان فرماندهی امداد رسانی غرب تهران را عهده‌دار شده است.

از ابتدای جنگ تا به امروز به صورت شبانه‌روزی در شعبه هلال‌احمر منطقه ۲۲ حاضر است و به خانه نرفته. رده‌خستگی در چهره زانهاش دیده می‌شود اما غلبه روحیه امید و جودش پررنگ‌تر است. او فرمانده ۱۱۰ امدادگری است که در این روزهای سخت در پهنه غرب تهران مشغول امداد رسانی به مناطق جنگ‌زده هستند. پهنه غرب شامل مناطق ۵، ۹، ۱۸، ۲۱، ۱۰ و ۲۲ می‌شود و از ابتدای جنگ رمضان تا به امروز شاهد شدیدترین حملات دشمن صهیونیستی - آمریکایی به مناطق مسکونی، پایگاه‌های نظامی و مراکز علمی و آموزشی بوده است.

پهنه‌های پراصابت

کمک به هموطنان آسیب‌دیده برایش از هر چیزی واجب‌تر است؛ حتی پاسخ به سؤالات ما. دائماً با گوشی تلفن همراه و تلفن دفتر وضعیت مناطق را چک می‌کند و می‌گوید که پهنه غرب از ابتدای جنگ تا به امروز شاهد شدیدترین حملات وحشیانه دشمن آمریکایی - صهیونیستی بوده است: «همه مناطق تحت مدیریت امدادی ما از ابتدای جنگ تا به امروز مورد اصابت موشک‌ها و حملات دشمن بوده و تلخ‌ترین موضوع، تخریب خانه‌های مسکونی در بافت‌های فشرده و قدیمی این مناطق است. نقاطی که ما در جریان امداد رسانی به آنها شاهد مصدومیت و شهادت تعداد زیادی از شهروندان تهرانی بودیم.» در منطقه‌ای که تقی‌نژاد، فرماندهی امداد رسانی‌اش را عهده‌دار است بیشترین حملات به بافت‌های مسکونی بوده است: «مناطق ۲۲، ۲۱، ۹، ۵، ۱۰ و بیشترین حملات را در این مدت شاهد بوده‌اند و برخلاف چیزی که دشمن و رسانه‌های وابسته به آن می‌گویند، نه تنها مراکز نظامی بلکه خانه و زندگی مردم هم در این حملات از بین رفته است.»

مادر امدادگر

شهادت بچه‌ها مات و مبهوت بودیم. بچه‌های تیم که دچار موج گرفتگی شده بودند، حال و روزشان بدتر بود. پیکرهای شهدا در میانه میدان، در آمبولانس هدف قرار گرفته توسط رژیم صهیونیستی در آتش می‌سوخت و بچه‌هایی که دچار موج گرفتگی شده بودند در میانه میدان نشسته بودند و قدرت تکان خوردن نداشتند. نیرویی عجیب همه وجودم را در بر گرفته بود؛ مانند مادری که دنبال بچه‌هایش در میانه آتش می‌گشت، چشم دنبال امدادگران بود. من باید باقی بچه‌ها را زنده از آن مهلکه خارج می‌کردم.»

در این مسیر قدم برداشته‌اند. همشینی فیلم‌های ماندگار «سینمای ایران» با حال و هوای این روزهای کشور، یکی از همین اقدامات است. مانند مونتاز لحظه درخشان فیلم «بوی پیراهن بوسف» که بیکی کریمی

در روزهای جنگ، هر کسی به اندازه وسع خود تلاش می‌کند تا قدمی برای وطن بردارد. در کنار آنهايي که در خیابان و میدان سینه سپر کرده‌اند، کم نیستند آنهايي که با نوشتن و تولید محتوا به شکل دیگری

دورت بگردم ایران



خاطره جنگ ۱۲ روزه تکرار شد

ایرانی‌هایی که قبل از شروع جنگ ۱۲ روزه تعطیلات عید غدیر را زمانی مناسب برای سفرهای خارجی انتخاب کرده بودند با شروع حمله اسرائیل به ایران و بسته شدن آسمان کشور نتوانستند به خانه‌هایشان برگردند اما با طولانی شدن جنگ، جوب‌خط بسیاری از ایرانی‌های مسافر بر شد و دیگر تحمل ماندن در بیرون مرزها را نداشتند. بر خلاف صهیونیست‌ها که هر کدام به شیوه‌ای خواهان خروج از سرزمین‌های اشغالی بودند، ایرانی‌ها از مرزهای زمینی به داخل خاک وطن برگشتند.

چنین رفتاری در روزهای جنگ ۱۲ روزه چنان فرگیر شد که یک کاربر آن زمان در شبکه ایکس با نام «رقصنده در تاریکی» از تعجب رسانه‌های ترکیه نوشته بود: «رسانه‌های ترکیه متعجب هستند و میگویند بر خلاف مردم سوریه که همه از کشور فرار کردند، ایرانی‌ها در مرز نوبی صف هستند که برگردند. باورشون نمیشه.»

میثا یکی از افرادی بود که مصداق این توییت شناخته می‌شود. او در مورد بازگشت خود به ایران نوشته بود: «یک هفته قبل از حمله اسرائیل به ایران یکی از شهرهای ساحلی ترکیه را برای سفر انتخاب کردم، با اینکه امکان تمدید هتل برامون وجود داشت. تصمیم گرفتم از طریق سفر هوایی خود را به نزدیکی مرز زمینی بازگان برسونم.» او در میانه جنگ ۱۲ روزه، سختی سفر را به جان خرید تا به کشور برگردد. در کنار افرادی مانند میثا، یک اینفلوئنسر ایرانی که در ارمنستان ساکن بود و اقامت داشت، در همان روزها تصویری از خود در مرز نوردور منتشر کرد و گفت که در صف بازگشت به ایران است.



ماتا آخر ایستاده‌ایم

نوبت بازگشت به وطن

این روزها کم نیستند ایرانی‌هایی که به جای فرار بازگشت به خاک وطن را انتخاب کرده‌اند

لیلا شریف | روزنامه‌نگار | ویدئوی فرار صهیونیست‌ها از سرزمین‌های اشغالی و ورودشان به کشورهای مختلف یک تصویر تکراری از رفتار آنها در دوران جنگ است که در روزهای جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان بارها و بارها تکرار شد، اما کم نیستند ایرانی‌هایی که در نقطه مقابل این رفتارهای گزافه‌خورد به ترس قرار دارند. مرزهای زمینی ایران میزبان

گزارش

Elham Pavehnejad @pavehnejad

وقتی دخترم از برگشتن به ایران در این حمله عسایی و مستاصل بود، بهش گفتم شاکرم تو جات امنه. برای من چند سال بیشتر زنده ماندن با او رگی فضیلت نیست. اگه قراره بهرم میخوام تو خونه بهرم کاش میشد به دور از حواشی ویرانگر و هدفمند بریم کنار تاسیسات مهم مثل #غلی_قصری بشینیم. #وطنم

زنده ماندن با او رگی فضیلت نیست

یکی از افرادی که روز گذشته در مورد بازگشت به ایران و ماندن در کنار هموطنان نوشته الهام پاهونژاد باز یگر شناخته شده سینما و تلویزیون است. او در توییتی نوشت: «وقتی دخترم از برگشتن به ایران در این جنگ عسبانی و مستاصل بود بهش گفتم شما که جات امنه. برای من چندسال بیشتر زنده ماندن با او رگی فضیلت نیست. اگه قراره بهرم می‌خوام توی خونه بهرم بمیرم. کاش می‌شد به دور از حواشی ویرانگر و هدفمند بریم کنار تاسیسات مهم مثل #غلی_قصری بشینیم.»

فقط خاک وطن

میدانشان متفاوت است؛ یکی از ترکیه و دیگری از عمان یا آلمان راهی سفر طولانی بازگشت شده است اما مقصد همه یکی است؛ ایران.

این روزها که ویدئوهای مختلفی از گذرگاه‌های زمینی منتشر می‌شود، هر بار شاهد مردمانی هستیم که با حب وطن و بغضی در گلو از آمدنشان می‌گویند؛ درست مانند مردی که با چهره اشک‌آلود پاسخ می‌دهد: «چی بترسم؟ چی بترسم؟ مرد دیگری که با همسرش از آلمان برگشته است هم اینگونه پاسخ می‌دهد: «مملکت‌مونه، وطن برای ما چیز دیگه‌ای هست...» هنوز برای جملاتش نقطه‌نگاشته است که همسرش هم با صلابت و جدیت بی‌نظیری مهر تأیید بر این نظر می‌کوبد و می‌گوید: «واقعاً وطن چیز دیگه‌ایه، این روزها صبح صدار گفتم، هیچ‌جا وطن خود آدم نمیشه. وارد خاک ایران که شدم، گفتم جانم فدای ایران.» مرد دیگری که در مردمان جنوب در لهجاش عیان است هم اینگونه حال این روزهایش را توصیف می‌کند: «ایرانی در خونه‌اش که از جنگ نمی‌ترسه، خصوصاً ما جنوبی‌ها. خلیج فارس را با خون خودمون رنگین کردیم و به هیچ‌کس اجازه تعرض به این خاک مقدس رو ندادیم.» زن دیگری در مورد این روزها در حالی که برای عبور از گیت ورود لحظه شماری می‌کند، می‌گوید: «اگه پسر بودم همین الان می‌رفتم خارک و نمی‌داشتیم که ترامپ هیچ غلطی بکنه.»

هیچ‌جا خونه آدم نمیشه یکی از تصاویری که این روزها به سرعت در کانال‌های خبری جا گرفت، خانم متخصص ایرانی ساکن هلند است که در لحظه ورود به ایران از دلیل آمدنش گفت: «باز هلند اوادم، نگران نیستم که جنگ شد و دارم برمی‌گردم، اتفاقاً اونجا راحت بودم که چرا توی کشور خودم نیستم، الان خوشحالم که در وطن خودم هستم. خیلی خوشحالم که هموطنم در خیابان هستن. از رزمنده‌ها مون واقعا تشکر می‌کنم، دستشون درد نکنه. من تک‌تیسین رادیولوژی هستم، بهتر است که اینجا باشم تا دور از وطنم. این روزها تو شرایط جنگ این رو با تمام سلول‌ها حس کردم که هیچ‌جا خونه آدم نمیشه.»

